

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

درس سکوت نکردن در مقابل باطل

کلمات کلیدی: امام حسین علیه السلام، راه و روش، امر به معروف، نهی از منکر، حکومت اسلامی، باطل، فساد، سکوت نکردن، مبارزه.

نهضت ابا عبدالله الحسین علیه السلام حرکتی بود در جهت امر به معروف و نهی از منکر؛ در جهت ایجاد اصلاح؛ در جهت مبارزه با فساد در داخل حکومت اسلامی. امام حسین علیه السلام با حکومت‌های بیرون از قلمروی اسلامی جنگیدند؛ در داخل حکومت اسلامی با کسانی جنگیدند که به ناحق بر مسند حکومت دست انداخته بودند؛ اموال بیت‌المال را غارت می‌کردند؛ محرومان را می‌چاپیدند و زیر پایشان لگد می‌کردند؛ فامیل‌بازی می‌کردند؛ حکومت را موروثی کرده بودند؛ در حکومت، هزارفامیلی حاکم کرده بودند؛ با ارزش‌های دینی مبارزه می‌کردند؛ بویی از معنویت و تقوا، بویی از عفاف و پاکدامنی در شیوه‌های حکومتی‌شان استشمام نمی‌شد؛ امام حسین علیه السلام به مبارزه با این حکومت رفت؛ حکومت داخل جامعه‌ی اسلامی. امام حسین علیه السلام برای استقرار عدالت، استقرار ارزش‌های دینی، استقرار شاخص‌های معنوی در داخل جامعه‌ی اسلامی حرکت کرد. امام حسین علیه السلام در جنگ با کفار کشته نشد. امر به معروف و نهی از منکر امام حسین علیه السلام این است.

امام حسین علیه السلام همان‌طور که در زیارت وارث می‌خوانیم، وارث انبیاست. در زیارت ناحیه‌ی مقدسه هم، در فرازهای نخستین آن با سلام‌هایی که به انبیاء داده می‌شود، نشان می‌دهد که امام حسین علیه السلام ادامه‌دهنده‌ی راه آنهاست؛ ولی در زیارت وارث صریح‌تر است. امام حسین علیه السلام وارث همه‌ی انبیاء در طول تاریخ است از آدم تا خاتم صلوات الله علیه؛

همان‌طور که دشمنان امام حسین علیه السلام وارث همه‌ی اشقیاء در تاریخند. **كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ وَ كُلُّ اَرْضٍ كَرْبَلَاءُ**؛^۱ دوستان و شیعیان امام حسین علیه السلام در هر عصری، در هر عرصه‌ای وارثان یاران اباعبدالله علیه السلام هستند و باید در راهی که یاران امام حسین علیه السلام جان بر کف نهادند، در آن راه قدم بگذارند؛ در حالی که جان بر کف نهاده باشند؛ آماده‌ی جانبازی باشند. راه امام حسین علیه السلام را باید دنبال کرد و ادامه داد. مشکل، شخص یزید نبود که با به درک واصل شدن یزید مشکل حل شده باشد. مشکل، خاندان بنی‌امیه نبودند که با انقراض این خاندان و روی کار آمدن بنی مروان و بعد از بنی مروان بنی‌عبّاس و امثال اینها مشکل حل شده باشد. هر کسی با هر نامی، با هر عنوانی، می‌خواهد بنی مروان باشد، می‌خواهد بنی‌عبّاس باشد، می‌خواهد هر نام و عنوان دیگری داشته باشد، اگر رسم و آیین بنی‌امیه و یزید را دنبال می‌کند، دوستان اباعبدالله‌الحسین علیه السلام در تاریخ باید نقش یاران اباعبدالله علیه السلام را در مبارزه‌ی با این جریان‌ها ایفا کنند؛ با شهادت تمام، با شجاعت تمام، با آن عشق و اخلاص عارفانه؛ البته شکل مبارزه در هر زمانی می‌تواند فرق کند. کما اینکه بعد از واقعه‌ی عاشورا دوستان واقعی اهل بیت علیهم السلام دست از مبارزه نکشیدند؛ اما با خط‌مشی‌هایی که ائمه علیهم السلام می‌دادند، با هدایت‌هایی که می‌کردند، شکل مبارزه فرق داشت؛ هر روزی به یک شکل؛ اما سکوت، بزدلی، ترک کردن صحنه‌ی مصاف، چرا که اگر صدایمان در بیاد برایمان خطر دارد، منافعمان مورد تهدید قرار می‌گیرد، با آبرو و آزادی و جانمان بازی می‌شود، نفس را در سینه حبس کردن، شیوه‌ی یار اباعبدالله علیه السلام نیست.

دعوا بر سر اسم نیست که با تغییر نام مشکل حل شود؛ این جناح برود، جناح دیگری بیاید، بگوییم الحمدلله آن جناح رفت. جناح بنی‌امیه برود، جناح بنی مروان بیاید؛ جناح بنی مروان برود، جناح بنی‌عبّاس بیاید، بگوییم خوب، مشکل حل شد؛ آن جناح رفت. مشکل جناح نیست؛ مشکل اسم نیست، مشکل روش است؛ مشکل رسم است؛ هر کس با هر اسمی، با هر لباسی، با هر قیافه‌ای، آن آیین و رسم و روش ستمگرانه، ظالمانه، چپاولگرانه، آن فسادهای داخل حکومت اموی را تکرار کند، او هم مصداقی است برای همان چیزی که امام حسین علیه السلام و یارانش با آن مبارزه کردند و لذا امروز باید شاخصه‌های حکومت یزیدی و حکومت اموی را بشناسیم. ببینیم شاخصه‌های

۱. این عبارت از اقوال اهل معرفت است.

آن چه بود که امام حسین علیه السلام با آنها جنگیدند. فرمودند: **أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي**^۲؛ فرمودند: **أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ؟ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمَأً**^۳؛ باید ببینیم آن فسادها چه بود و اگر امروز در جامعه‌ی ما نیز آن فسادها وجود دارد، ما هم رسالت مبارزه با کسانی را داریم که مروج، سردمدار و پیاده‌کننده‌ی آن فسادها هستند. دوست امام حسین علیه السلام بودن فقط به گریستن نیست. قبلاً اشاره کرده‌ام، گریه ظهور عشق است و عشق نیروی حرکت است؛ باید حرکت ایجاد شود. لذا اگر در جامعه‌ی اسلامی ما هم، کسانی در حاکمیت نفوذ کرده باشند که فسادهای یزیدی و اموی را داشته باشند، دوستان حقیقی اهل بیت علیهم السلام باید با آنها هم مبارزه کنند تا نگذارند آن فاجعه‌ای که در صدر اسلام اتفاق افتاد، تکرار شود.

ماجرای امام حسین علیه السلام یک حادثه‌ی محدود در یک تاریخ مشخصی که پرونده‌اش بسته شده باشد، نیست. شما همین زیارت عاشورا را که خدا توفیق می‌دهد هر جلسه در آغاز جلسه می‌خوانید و امام حسین علیه السلام را با آن، زیارت می‌کنید، روی فرازهای آن فکر کنید. می‌بینید ماجرا، ماجرای یک حادثه‌ی مشخص تاریخی در یک مقطع زمانی نیست. بحث یک جریان است؛ شما می‌گویید: **بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ**؛ می‌گویید من پیش خدا و پیش شما شهدای کربلا، پیش شما اهل بیت عصمت و طهارت از کسانی که از سقیفه تا عاشورا مرتکب این جنایت‌ها شده‌اند برائت می‌جویم: **بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ**؛ ادامه‌اش چیست؟ **وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ**؛ و برائت می‌جویم از پیروان و دوستان و تابعان آنها تا پایان تاریخ! آنها چه کسانی هستند؟ یا می‌گویید: **يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**؛ ای اباعبدالله! من با کسانی که با شما در صلح و صفا بودند و هستند و خواهند بود، در صلح و صفا هستم و با تمام کسانی که با شما در جنگ و کارزارند، تا روز قیامت با همه‌ی آنها من در جنگ و مبارزه‌ام. این جمله فقط برای خواندن و گریستن نیست؛ این یک تضمین است؛ یک تعهد است؛ یک قول است که به اباعبدالله علیه السلام می‌دهیم که ما تا روز قیامت با کسانی که آن مسیر انحرافی را می‌روند، می‌جنگیم.

۲. مقرّم، مقتل، ص ۱۵۶؛ خوارزمی، مقتل، ج ۱، ص ۱۸۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹ و پژوهشکده‌ی باقرالعلوم، موسوعة کلمات-الامام الحسين علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳. ابن شعبه‌ی حرّانی، تحف العقول، ص ۲۴۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۶۸ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

ماجرای اباعبدالله علیه السلام ماجرای تمام شده نیست. باز در زیارت عاشورا در مقام دعا می گوئیم: **فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ**، از آن خدایی که به من کرامت بخشید و مرا با معرفت شما و معرفت دوستان شما گرامی داشت و برائت و بیزاری و تنفر از دشمنان شما را روزی من کرد، از این خدایی که اینها را نصیب من کرد درخواست می کنم، چه چیزی را درخواست می کنم؟ **أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ**؛ که من را در دنیا و آخرت با شما قرار دهد. با امام حسین علیه السلام باید بود؛ نه فقط بر امام حسین علیه السلام گریست. با امام حسین علیه السلام باید بود! قدم به قدم همراه امام حسین علیه السلام باید زندگی کرد؛ پشت سر امام حسین علیه السلام باید قدم برداشت؛ راه امام حسین علیه السلام را باید ادامه داد. راه امام حسین علیه السلام راه بزدلی نیست؛ راه عافیت طلبی نیست؛ راه شهامت است؛ راه جانبازی است؛ راه ایثار است. راه نَفَس ها را در سینه حبس کردن از ترس نیست؛ راه پرخاش است؛ راه فریاد است؛ راه مبارزه است. **أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ**؛ و از خدای متعال می خواهم که قدم صدق ثابتی در مسیر و راه شما در دنیا و آخرت به من عنایت کند؛ ثابت قدم بودن؛ صادقانه راه حسین علیه السلام را دنبال کردن.

بنابراین همان طور که در جلسات قبل اشاره شد، روح عرفان در کالبد حماسه دمیده می شود و نهضت اباعبدالله علیه السلام خلق می شود و یار و شیعه و دوستدار و عاشق اباعبدالله علیه السلام هم، چنین آدمی است. آدمی است که روح عشق و عرفان در کالبد مبارزه و حماسه در او تجلی می کند و این گونه باید بود؛ یعنی درسی که از کربلای اباعبدالله علیه السلام باید بیاموزیم و هر سال محرم و عاشورا می آید تا این درس را تکرار کنیم و عمیق تر به جانمان بنشینند و جدی تر و تمام عیارتر این درس را در زندگی به کار ببندیم. امیدواریم خدای متعال به برکت خون به ناحق ریخته ای اباعبدالله الحسین علیه السلام و اصحاب و اهل بیت کرامش توفیق درک هدف و معنای نهضت حسینی علیه السلام و پیمودن راه در مسیر اباعبدالله علیه السلام را به همه ی دوستان اهل بیت علیهم السلام خصوصاً عزیزان حاضر در این جمع عنایت بفرماید.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ؛

۴. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.